

آیین دادرسی مدنی

مانند نحوه اجرای محکومت مالی ۱۳۹۴

① هرکس به دادن مالی به دیگری محکوم شود و نداده

عین معین به آن مال اخذ و به محکوم له تسلیم می شود.

اگر اموال محکوم علیه به جز مستثنیات دین توقیف و ادای دین می شود

ماده ۳ - اگر محکوم به از اموال محکوم علیه استینا نشود

به تقاضای محکوم له محکوم علیه بازداشت می شود.

یا حکم اجرا
یا پذیرفته شدن ادعای اعسار
یا جلب رضایت محکوم له

اگر محکوم علیه ظرف ۳ روز
از ابلاغ اجرائیه
(لیست کتبی اموال و معاملات
+ دعوت اعسار اگاه سازد)

مغلاً حبس نمی شود - ۵

دعوتِ اعمار را مسترد کنند

تا این به

به موجب حکم قطعی دارگاه، اعمار رد شود.

رضایت مکتوم له به بدون وثیقه

والا یا کنیل یا وثیقه مقیر

لیست احوال -

اگر بعد از ۳ روز

دعوتِ اعمار

مقابل مکتوم به

در صورت حبس آزادی شود

تا این وصیتِ اعمار

اگر حبس نشده، فعلاً حبس نمی کنیم.

مردم حکم قطعی

در صورت حکم قطعی رد اعمار

به کنیل { ابداع به ۲ روز از ابداع واقعی، مکتوم علیه راست می کنند. وثیقه نذار

دارستان

مکتوم به

والا به دستور { رئیس دارگاہی حکم است نظر او اجرای شود + هزینه هار اجرا

از وثیقه یا وجه اللغاله وصول می کنیم

خلاف. اردو قابل تجدید نظر

تمام مقررات (تقریر) موافق حبس } در اعمال ماده ۳ هم است.

ماده ۶ معسر کسی است که به دلیل ندانستن مال، قادر به ادای دین نیست

عدم دسترسی به مال = در حکم ندانستن مال

لکه اثبات با محکوم علیه

توجه به حالت سابقه

ماده ۷

اگر وقت سابق مدیون به نشان دهنده ملاقات
اصل پرداخت شخص
مدیون در ازای دین مال گرفته باشد.

بار اثبات اعمار بر عهده مدیون
مگر تلف مال را ثابت کنند.

*

در حالتی که مدیون در ارزی دین مالی نیست

خوانده (کلمه)
نستواند ملاقات فعلی یا سابق را ثابت کند

هرگاه

ملاقات فعلی یا سابق مدیون نزد باغی محرز نباشد

ادعای اعیان
باسوگند
مدیون
بند نیست و شود

ماده ۸ - صورت احوال مقدار
لایه احوال مستدل در غیر مستدل

+
وجود نقد

احوالی که نزد باغی دارد

تسل و انتقالات از یک سال قبل از طرح دعوا اعیان

در مواردی که

اثبات اعیان بر عهده مدیون
یا
سابقه ملاقات
و اگر دلیل اعیان
شهادت شود باید.

استثنایه تبی مدافع ایضاً باید.

بصر ۲ ماده ۱۱

دارگاه دی را تقیید کرد

هم محکوم له

و مقامات تعدیل

هم محکوم علیه

۱- نوع دعوای اعسار - اعسار از معلوم به
 اعسار از مدعی به
 اعسار از هزینه دادرسی

دعوای اعسار - اصولاً در صلت دادگاه بدوی
 صادرکننده اجرائیه

دعوای اعسار از هزینه دادرسی مرحله فرجام
 که رأی فرجام قطعی است از دادگاه تجدیدنظر صادر شده باشد.

ماه ۱۴ - دعوای اعسار غیر مالی
 قابل تجدیدنظر
 غیر قابل فرجام
 همه جا خارج از نوبت - چه بدوی
 ارضیه تجدیدنظر

رأی وحدت رویه - در دادگاه کیفری یک به محکوم شده به وجه
 دعوای اعسار مطرح می کنند - دادگاه کیفری یک - رأی در خصوص اعسار
 اعراض در دادگاه تجدیدنظر استان

مادہ ۱۵ ← دادخواست اعسار { از تاجہ پذیریت نیست
انخاص صدیقی

باید دعای ورسلگی طرح کنند

* مادہ ۱۹ بقاضا مملوم لہ

مبصر اجرا ہے بہ بانک مرکزی
↓ نہایت حساب کار بانکی مملوم علیہ

بہ ادارات آب و سار مراجع ہے خیریت اسدک و اسدال
و نقل و انتقال کیلئے آخر

تا قبل از صدر حکم قطعی

بہش آمادہ ۱۹ ہے بہ تائید خواستہ ہے سری می دسد.

ماده ۲۱ به معامله به قصد فرار از دین

سایر اموال برای پرداخت دین کافی نباشد.

حکم محکوم علیه
معاملات صورتی به قصد ابطال

معجانی به همه وقت به غیر نافذ
تنفیذ طلبکاران
یا پرداخت دین آن

معاملات واقعی
معوض
معامله
مصرف

خریدار
اگر منتقل الیه، آگاه باشد از قصد فرارنده

را به عنوان جریحه از ادراخت و از محل آن طلبکاران استینا طلب

مال
تلف شده
یا
منتقل به غیر
مصل یا تمت مایسیم
می کنند

ماہ ۲۲ سے تمام حکومت مار مالی

رد مال

دیہ

ضرر زیان ناشی از جرم

تکملہ اس مانون

نقدی

ماہ ۲۳ سے ممنوع الفردی در دعویٰ صوفی

اگر حکم صوفی سے بہ تعاضل حکوم لہ سے مرجع اجرا

مزار ممنوع الفردی

اجارہ راس

اجبات اعمار

مناسبت حکوم لہ

کنیل یا ریستہ

تالی؟

ماہ ۲۴ سے مسیبات دین منزل در شان

اگر مسیبات دین سے تبدیل بہ مال دین

بولس دین مسیبات دین بدست

مترقہ نہیہ ہونوع زخستہ

قانون اجرای احکام مدنی عرب ۱۲۵۶

اصل ہے ہجرتِ حلیٰ قایم اجرا نہ دارہ مگر فعلی بندہ باند۔

استناد، حکم ملات، بنای شود۔ ابداع، آفرینش

ابداع و آفرینش

فصل از فلسفہ

مواردی که دادگاه دستور اجرای دمه

① علم درستی

② دعار نصرت

هیچ علمی اجرا نمی‌کند مگر علمیده
معلوم له لباً درخشا کنند
ما تم تمام

* اصولاً، اجرائی باید صارفین۔ - اجراء منوط بہ صدر اجرائی

اعلام پلان
معاہدہ

حکم جنبہ اعلامی راستہ باشد، نیاز بہ مکرر خامی نیست.

استثناء

سبج اجرای حکم مدینه نهاد دولتی یا عمومی بوده، هر طرف دعوی نیست.

مُتَلَّحِ امْلَحِ سَدِّ اجْرَای سَدِّ

صدر اجرائیہ - جے ڈی ادا گاہ نخستین (بدی)
لے نظارت بر اجرائی حکم ہم کنند.

آخرین آدرس حکم علیہ - سابقہ ابداع
(آخرین محل ابداع)

اگر حکم علیہ، مہمبول امکان بود ہے نوبت الہی در روزنامہ نشر الاشار
۱۰ روز بعد اجرا

مادہ ۱۸ ہے قانون اجرائی احکام
مدیران اجرا، دادوزر - نمی توانند و نباید انجام دهند.

کسی بین ان مادہ !
مدیر دادوزر
دعویٰ ایکیزی مطلحات
محرر

* بهر داد و در دیر محولی شود
اگر در آن صده نبود

میر دفتر
کارمند دیر دادگاه
یا
ص ب سرد مائری نهایی در اندامری
انجام شود

ماده ۲۴

توقیف
بعد از شروع به اجرا
لے تعلیل
صلح
انقض

قرار دلگامی به دستور اجرا داده
یا
دادگاه صالح برای دستور تأخیر اجرا
ندارد
یا
مکرم له رسید بدست که مکرم به
یا
رضایت کتبی مکرم له
تعلیل یا ترتیب یا تأخیر یا صلح اجرا

اشکال در اجرای حکم

مُتَدَاوِر اِجْرَا بِنِی دَانْدِ خَلْعِ یَدِ مَنَی
رَا حِدْوَنَه اِجْرَا نَد

اختلاف ناشی از اجرا

← دادگامی به حکم تحت نظر از اجرا

می شود

یعنی دادگاه نخستین

با مداخلت در اجرائیه.

ماده ۲۷

اختلاف راجع به مفاد حکم ← ناشی از { اجمال حکم یا معلوم به
اجرای حکم ابهام

در دادگامی به حکم قطعی صادر کرده رسیدگی می شود.

رأی داور
(موضوع معین نیست) ← دادگامی به اجرائیه صادر کرده

اختلاف در مقام حکم
 هر یک از طرفین به از دادگاه بخواهد. } به دادگاه صادر کننده حکم معطلی

دادگاه در وقت منق العاده (بدون دعوت از طرفین)

یا رسیدگی به در وقت خارج از نوبت (نیاز به دعوت از طرفین و کتبیات) عدم حصر ممانع رسیدگی نوبت -

رفع افتلات
 رفع ایهام، اجمال } بابت کتف و تأخیر اجرا نمی شود.

مس دادگاه قرار تأخیر اجرای حکم صادر کنند.

۲۳ هرگاه عدم علی تاجر باشد

در جریان اجرا به درجده شود به مدیر اجرا باید مراتب را

به اداره تصفیہ
 یا مدیر تصفیہ
 اعلام کنند

=====

ماده ۳۹

حکم قطعی بوده و اجرائده

مُتَدَّ با اعاده داری ← حکم بدائرت شود

به دستور دادگاه نخستین (صادرکننده اجرائیه)

وصف به حالت قبل از اجرا می گردد.

نیاز به اجرائیه ندارد. عن جین - برنگردد بدون اجرائیه

ممکن نبود ← مل یا تمت آن را دادورز وصل کنند

ماده ۴۳ اجرای حکم خلع ید مساعی

مُتَدَّ یکی از مالین دار فرست خلع ید مساعی دارد

متصرف را از مل ملک اخراج می کنند

~~(نه فقط هم این شخص)~~

تجدیل بکلام له ← نیاز رضایت همه شرکاء

حلی صادرند

مکرم له
الف

مکرم علیه
ب

مکرم به عین عین محلاً پراید

مکرم به در تصرف ج - مانع اندامات اجرائی نیست اصولاً

ادعای مطرح کند راجع به عین یا منافع

داد و ستد بقیه

به ج قیمت می دهد

که در دادگاه صالح اقامه دعوا

کند

مخرج - دلائلی هم ارائه کند

از طرف هاروز از تاریخ محکات

ج قرار تأخیر اجرای حکم را می آورد - عملیات اجرائی اظهره خداوند باشد

اجراء در دانش اجراء اداریست

رئیس اداره است

دستور اجرا

اعراض به دستور

↓
در صلاحیت دادگاه محل اجرای است

↓
اعراض به اجرا

↓
در صلاحیت رئیس اداره است

↓
نظر رئیس - مابین اعراض در صلاحیت نظارت

در راز وحدت و به مانع از رجوع کسی که مدعی ضرر است
به دادگاه نیست.

ماه ۴۶

اگر محکوم به عین معینی

+
کلیت شده یا به آن دسترسی نیست

محکوم علیه به قیمت را باید بدد
مطلوب
↓
مطلوبه ارجع خوانند

مطلوبه دوم - دادگاه

درگاه محکوم به، مابین تقسیم به پول نباشد - محکوم له می تواند دعوی خسارت اقامه کند

قاعده در قمارن مدنی

مُل یا مَت

مُل مَدَم بِرَصَت

در مانون حُرّی مدنی هر چه دارگاه دلس بخواسد

چنانچه شخصی سبب تلف مالی شود و آن مال مثلی باشد، با لحاظ قانون مسئولیت مدنی، دادگاه به چه نحوی حکم به جبران خسارت خواهد داد؟

- (۱) اگر مثل آن مال یافت شود، دادگاه الزاماً باید واردکننده زیان را محکوم به دادن مثل کند. ✓
- (۲) دادگاه می تواند واردکننده زیان را محکوم به دادن قیمت کند، حتی اگر مثل مال تلف شده یافت شود. ✓
- (۳) دادگاه ملزم است واردکننده زیان را محکوم به دادن مثل کند، مگر اینکه مثل مال تلف شده موجود نباشد. ✗
- (۴) دادگاه می تواند حکم به پرداخت قیمت دهد، مشروط بر اینکه واردکننده زیان با تصمیم دادگاه موافق باشد. ✗

هر چه دارگاه دلس بخواسد

ماده ۴۷ — اگر محکوم به انجام یک عمل

↓ محکوم علیه انجام نمی دهد

و اگر کار قابل انجام توسط شخص دیگر

— زیر نظر داور اجرا انجام دهد و هزینه را مطالبه کند

محکوم به می راند — یا فقط هزینه ها را وصول کند (کار را انجام ندهد)

هزینه — دادگاه با کتبات لازم — در صورت ضرورت به طب نظر کارشناس

ماده ۴۸ — اگر حکم خلع یا صادر شده در زمین زراعت انجام شده

و دادل — هر چه دادگاه راجع به زراعت، نته

دیده درم — دادگاه در مورد زراعت یقین نگین نکرده

و اگر بعد بر داشت محصول شده — محکوم علیه بلافاصله باید برداشت کند

و آلا حاضر اجرا — هزینه ها را هم بگیرد

و اگر بعد بر داشت محصول نریده (چه پندر رزیده چه نریده)

بول زراعت را بدسد و مست را بقرت کند

محکوم له فخیر است — ملک را تا زمان رسیدن محصول به بقرت محکوم علیه

باقی ندارد و اجرت انبار بگیرد

اجرت المثل حیدر؟ ← شخص با دادگاه

بای زراعت حیدر
نظر دادگاه قطعی *

ماده ۵۱ ← به تقاضای مکلوم له

معادل مبلغ مکلوم به
+
هزینه های اجرای
از اسرار مکلوم علیه
توقیف می شود.

اگر ارزش اسرار توقیف شده بیشتر باشد

قابل تجزیه ← فقط همان مت توقیف

مال منقول
قابل تجزیه نباشد ← مال توقیف می شود.

معادل مکلوم به

اگر مال غیر منقول ←

+
هزینه های اجرای

← مقدار سماعی توقیف می گردد

تبدیل مال یوسف شده به مال دیکر

فقط یک بار به تناضای
مکرم له / مکرم علیه

* فما قبل از شروع عملیات راجع به فردش *

اگر مکرم له، تناضایند به شرط خاصی ندارد

اگر مکرم علیه تناضایند به مال جدید نسبت به مال قبلی از لحاظ قیمت
کمیتر نباشد -
+ هر دو فرد

اگر تناضای تبدیل دارند به واحد اجرا مخالفت کرد

↓ اعراض در همان دادگاه نخستین

(صادر شده اجرایی)

۵۴

مالی که توصیف آن تمام شده
دیده رسی بوده

قدا توصیف شد

اداره ثبت

به درخواست محکوم له، توصیف ارزش مازاد به

مرحله که قبل توصیف
کردن به اطلاع آمدند

ماده ۵۵

له اگر مال قبل توصیف شده

صندوق ثبت

تودیع کنند

تمام دین

محکوم له می تواند

حقایق قانونی با صوت دوت

صندوق
دادگری

باب طلب خودش

مال را آزادند و خودش توصیف کند

وجه تودیع شده

* ماره ۵۶

هرگونه نقل و انتقال / منوطی
نسبت به مال توقیف شده
شرطی
ارزی

باطل و بلامانع

یعنی بعداً منوط کردن

ماره ۵۷

هرگونه قرارداد یا تعهد نسبت به مال توقیف شده

به ضرر محکوم له

غیرناتذیه - مدر محکوم له تبا رضایت دهد

اصولاً ^{عام} هر قرارداد یا تعهد نسبت به مال توقیف شده غیرناتذیه

نقل و انتقال ← باطل
خاص

اموال مکتوم علیه نزد ثاٹ
طلب

اجرای احکام به اختطاری دند به ثاٹ در باب توقیف مال یا طلب
یا نیزان آن

ثاٹ غنف کرد به متول جبران ضارت .

به اگر ثاٹ متول وجود مال یا طلب نزد خود

باید ظرف به روز از تاریخ ابداع به به محنت اجرا اطلاع دند

اگر بعداً مذاک آن ثاٹ دند .
یا
ظرف به روز اطلاع ندارد

مکتوم له می تواند برای جبران ضارت
به دادگاه صالح مراجعه کند
یعنی از بمن ثاٹ مطالبه کند

اگر ثلث از تسلیم عین مال توقیف شده امتناع کنند
+9
دادرز به آن مال دسترسی پیدا کنند

در شرط
باسم

عادل قیمت از دارایی ثالثه برای استیناء محکوم به
توقیف می کنیم.

اگر ثالث مدعی از بین رفتن مال بدون تعدی و تضرعاً

به دارگاه دادخواست می دهد

دارگاه در صورت دلائل سوجه به قرار توقیف عملیات اجرایی
تا تعیین تکلیف نهایی.

تحتین ثالث که مال محکوم علیه نزد او توقیف شده

می تواند مال مزبور را هر وقت بخواهد

به دست اجرا تسلیم کند و وقت اجرا باید مبدل کند.

توقیف اسوال غیر منتقل

↓ به تقاضای محکوم له و واحد اجرا به اداره ثبت نام می‌زنند

*
۱۰۱
م

در تصرف محکوم علیه تصرف مالکانه

اگر ملک دارای مالیه ثبتی نیست

می‌شود توقیف کرد به شرط

مالیت محکوم علیه ثبت به ملک

با حکم نهایی احراز شده باشد

اگر حکم نهایی صادر نشده

لمه توقیف مال مزبور حایز

ولی اداره عملیات اجرای منوط به صدور حکم نهایی

ماده ۱۰۲ - توقیف مال غیر منتقل، موجب توقیف منافع آن نمی‌گردد.

فردش احوال توقیف شده

↓ باید از طریق مزایده

بِ نوبت الهی در زمانه سیرالانشار مل

«نمت فردش و عمل فردش باید الصاق هم بشود»

فاصله حاکم الهی تا روز مزایده ۳۰ < ۱۰
کمتر از ۱۰ روز و بیشتر از ۳۰ روز نباشد

خود مملوم له حق دارد در مزایده حضور یابد.

ارزایاب، دادورز، مباشر فردش به حق حضور در مزایده ندارند.

افزایاب سنی، سببی تا درج سوم از شرطیتم

مدیر اجرا می تواند فرض را برت دار کند یعنی امتیاز

مدت ۱۰٪ در ماه
و ماهی را حداقل یک ماه
در هر دو ماه

اگر در موعد مقرر نپردازد ۱۰٪ اولیه
هزینه کار اجرا را امل بری دارند.

بقیه هم به سود مدت ضبط می شود.

بعد مزایده مجدد.

اگر در مزایده به خریدار نیامد
از مال صرف نظر کنند و مال عبده معزولند

معلوم له ۱ حق دارد یا
تب بارتقاضای مزایده بجز (بامرستی ضی
کمز از قیمت کارشناسی)

اگر بار دوم هم خریداری پیدا نشد به خود معلوم له می تواند به قیمت کارشناسی
بار اول نمی تواند
به جای طلب دارد.

(کمتر از قیمت کارشناسی نمی شود)

۲ بار مزایده نداشتیم به خریداری پیدا نشد مال را آزاد و به معلوم علیه
معلوم له هم نداشتیم

اعراض به شریفات مزایده به فقط ۷ روز از تاریخ برگزاری مزایده

مزایده اموال غیر منقول به مُلِ اِلا تقریباً

* ماده ۱۴۳ اگر ملک را محکوم له برداشت تا ۲ ماه

سند به نام محکوم له نمی زنند.

تا ۲ ماه محکوم علیه وقت دارد { دین
خدا +
حزین عمار اجرا
را بپردازد } و از انتقال سند عبور نمی کنند

اگر انجام نداد به دستور دادگاه به انتقال سند به نام محکوم له

اعراض ثلاث اجرائی

* اگر مستند اعراض = حکیم قطعی دادگاه یا اندر سی

که تاریخ آن قبل از توقیف باشد.

خود واحد اجرا ، ازاله منع توقیف می کند

اگر خود واحد اجرا انجام نداد

یا

سند مرتب با اوصاف ضیق نبود

در دادگاه

اعراض ثلاث اجرائی = شریکات و هزینه دادرسی ندارد.

دادگاه می تواند به هر نحو و هر محلی به اعراض رسیدگی کند.

اگر دلائل رانوی دانت = مزار توقیف عملیات اجرایی صادر می کند

از مال مشغول = دادگاه تأمین مصیبتی و دستور منع توقیف

و تویل مال به معترض

